

متن پرسش

سلام: شهید آوینی در مجموعه مقالات حکومت فرزندگان می نویسد: این نکته بسیار دقیقی است که هر کسی را توفیق ادراک آن حاصل نمی‌شود، چرا که در نظر سطحی این دو رأی با یکدیگر قابل جمع نیست در روش سیاسی اسلام، این يك اصل است که ۱. حتی برای آنکه امام مفترض الطّاعه و معصوم و وصیّ بلافضل رسول خدا (ص) مسندِ خلافت ظاهری را نیز صاحب شود، بیعت مردم ضروری است. ۲. و از آن سو قرآن نظرش درباره اکثریت مردم این باشد: { جملات شهید آوینی در همان مقالات: قرآن مجید با تعبیراتی بسیار عجیب و حتی در اکثر موارد بسیار شدیدالّٰلّٰحن، نه تنها «رأی اکثریت» را «معیار مطلق حق» نمی‌داند، بلکه برخلاف آن، «رأی اکثریت» را غالباً باطل می‌شمارد. نمونه آیاتی که در این زمینه وجود دارد آن همه است که به ناچار باید تنها به منتخبی از آنان بسنده کرد. در بعضی از این مجموعه آیات آن همه صراحت همراه با شدت لحن موجود است که ما را از هر گونه تأویل و تفسیری بی‌نیاز می‌کند. مثلاً آیه مبارکه ۱۱۶ از سوره «انعام» که می‌فرماید: «وَإِنْ تُطِغْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ ضَلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» [و اگر از اکثریت مردم کره زمین اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد، که آنان جز از «ظن» تبعیت نمی‌کنند و جز «دروغ» نمی‌ورزند]. و یا در آیه مبارکه ۷۸ از سوره «زخرف» می‌فرماید: «لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنْ أَكْثَرُكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ» (۱) [ما حق را برای شما آوردیم، اما اکثریت شما مردم از حق کراهت داشتید]. «کراهت از حق» در اینجا صفتی است که قرآن برای اکثریت ذکر می‌کند. و یا در آیه مبارکه ۱۰۶ از سوره «یوسف» می‌فرماید: «وَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِكُونَ» [و اکثریت مردم به خدا ایمان نمی‌آورند مگر آنکه مشرک هستند]. این آیه مبارکه ناطق بدین معناست که ایمان اکثریت مردم درآمیخته با شرك است. و در آیات دیگر اجمالاً اکثریت خلق را به صفاتی از این قبیل متّصف می‌دارد: «أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» (۲۴۳ بقره)؛ «أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (۱۸۷ اعراف)؛ «أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ» (۱۷ هود)؛ «أَكْثَرُكُمْ فَاسِقُونَ» (۵۹ مائده)؛ «أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (۱۰۳ مائده)؛ «أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ» (۱۱۱ انعام)؛ «وَ مَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا» (۳۶ یونس)؛ «أَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ» (۸۳ نحل)... و بالاخره مجموعه آیات قرآن درباره «اکثریت» حکایت از این دارد که تمایلات اکثریت نه تنها با حق سازش ندارد، بلکه غالباً متناقض آن است. { این به ظاهر تناقض را چگونه می‌توان رفع کرد و جواب داد؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! با طلوع حرکتی توحیدی توسط پیامبر خدا «صلوات الله علیه وآله» باید در مقابل فرهنگ شرک بر توحید تأکید کرد و در این جا رأی اکثریت هیچ جایگاهی ندارد تا این که آرام آرام انسان‌ها متوجهی حقانیت و زیبایی توحید شوند و در بستر نگاه توحیدی فکر کنند و تصمیم بگیرند. در این فضا است که خداوند به پیامبر خود توصیه می‌فرماید: «وشاورهم فی الامر» یعنی نگاه و نظر آن‌ها را نیز در میان آور. در همین رابطه بعد از تحقق نظام جمهوری اسلامی و گرایش مردم به عبور از فرهنگ غیر الهی است که رأی مردم ارزشمند است. موفق باشید